

## نجات مُعْجِزَه آمیز

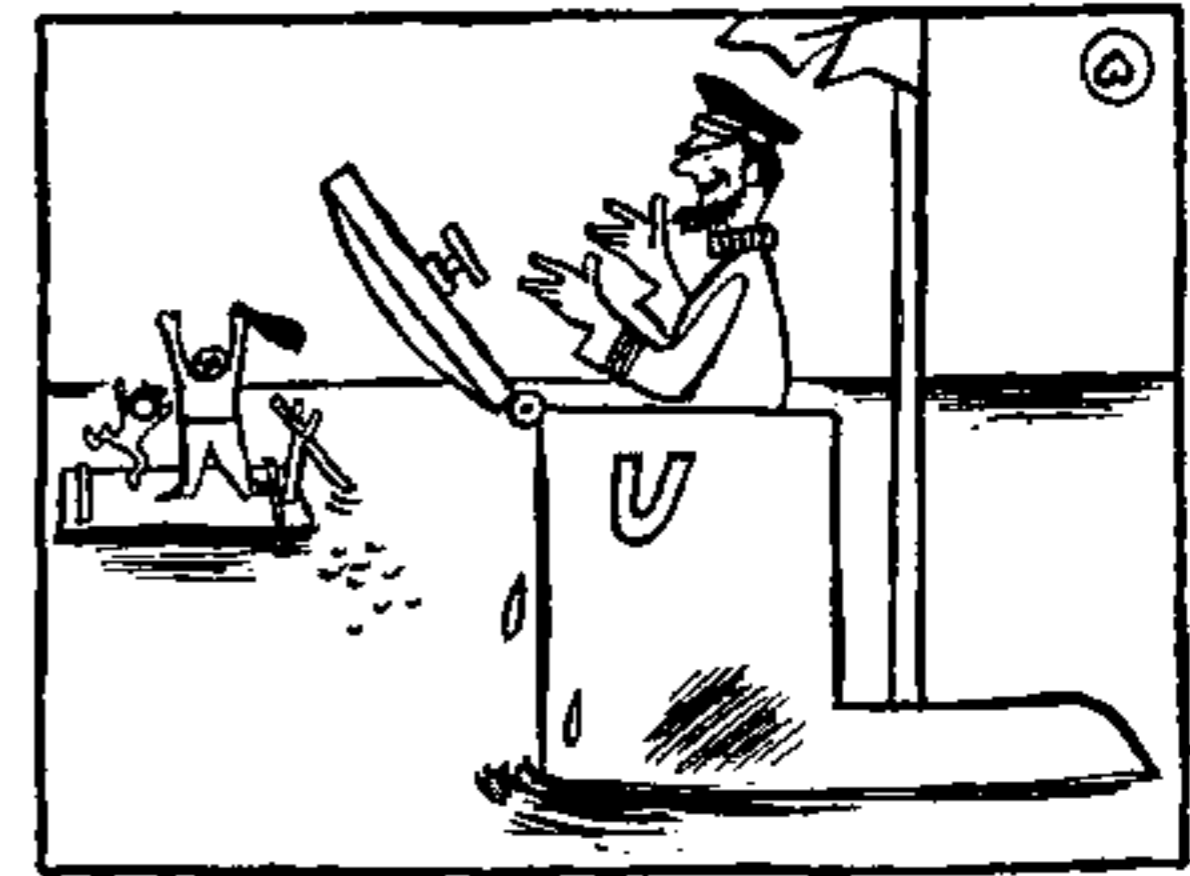
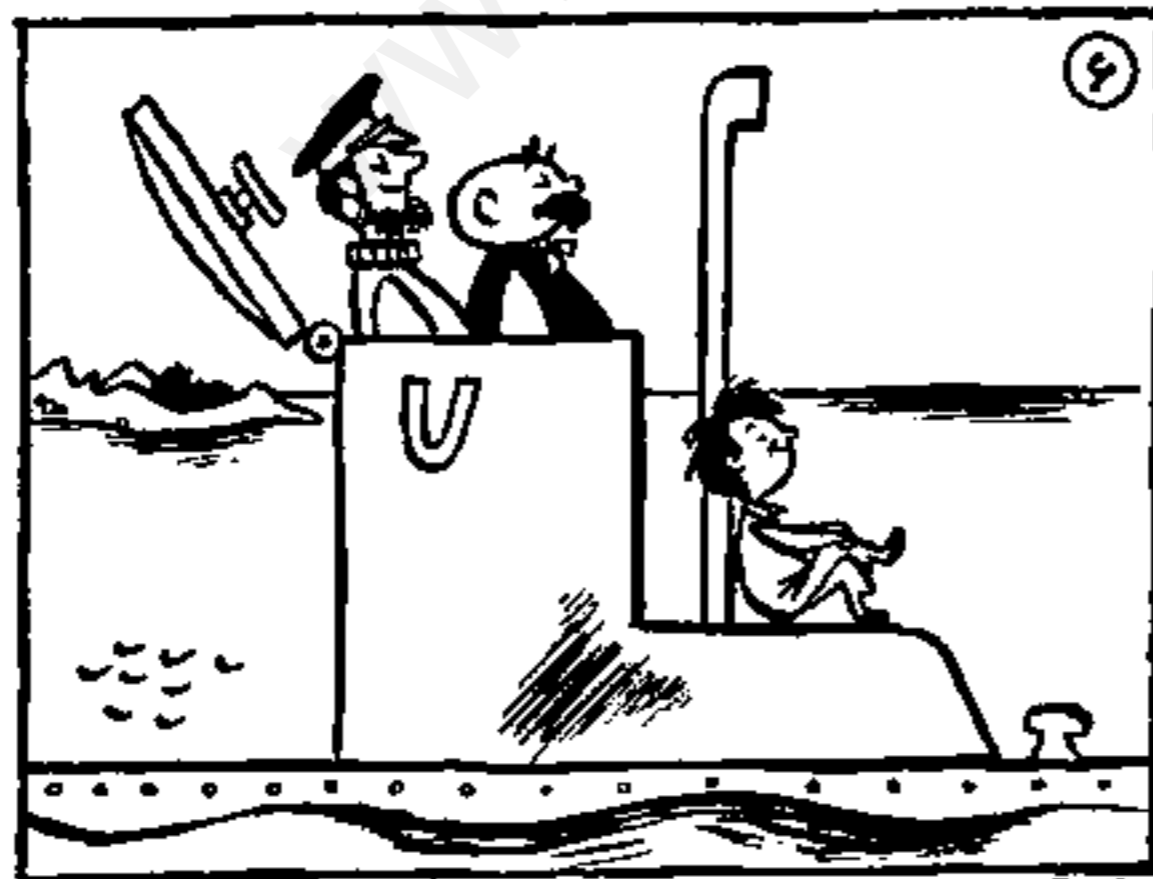
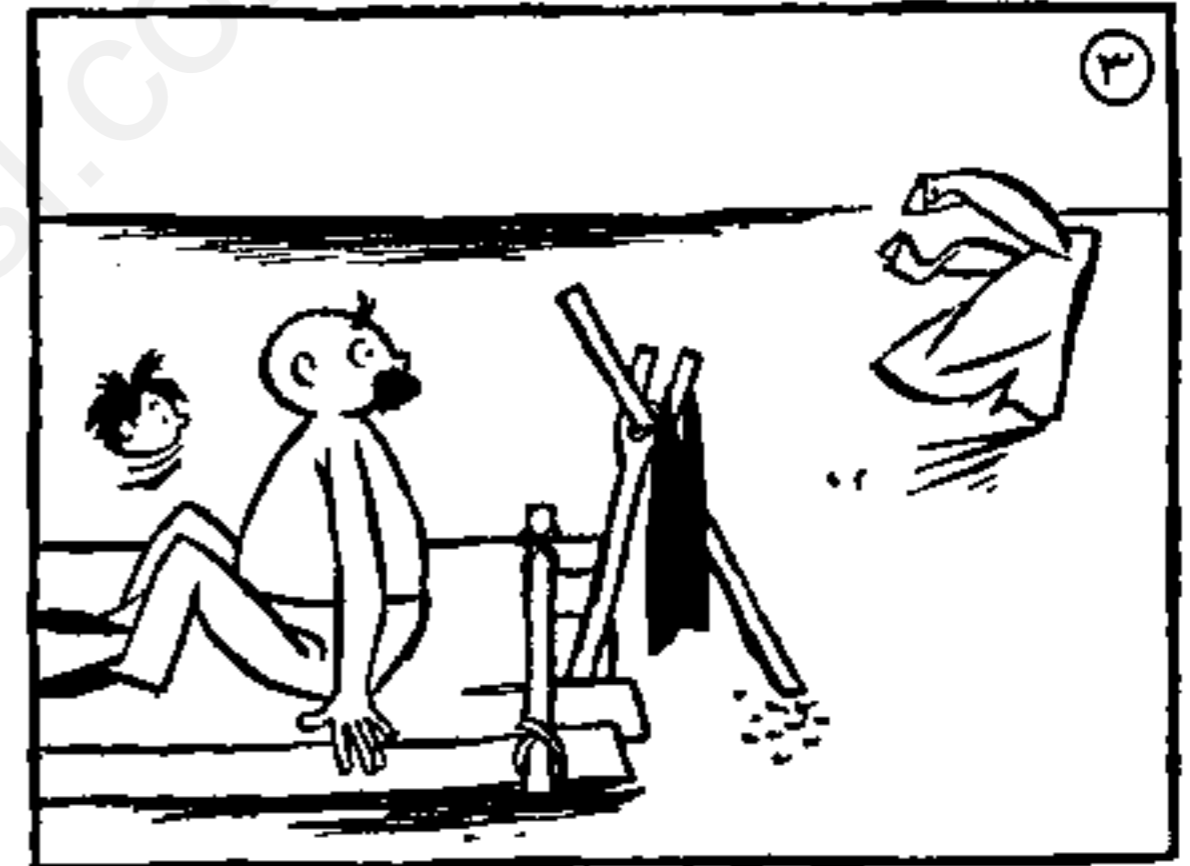
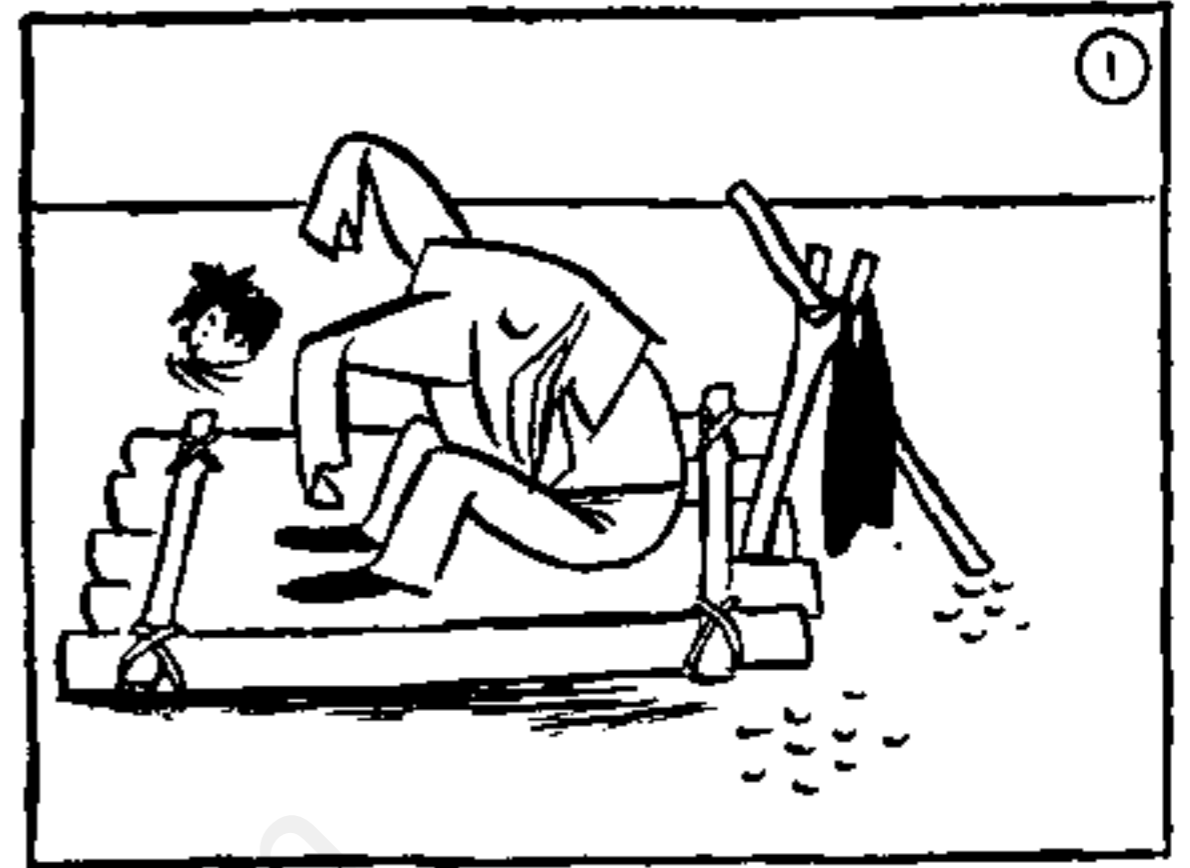
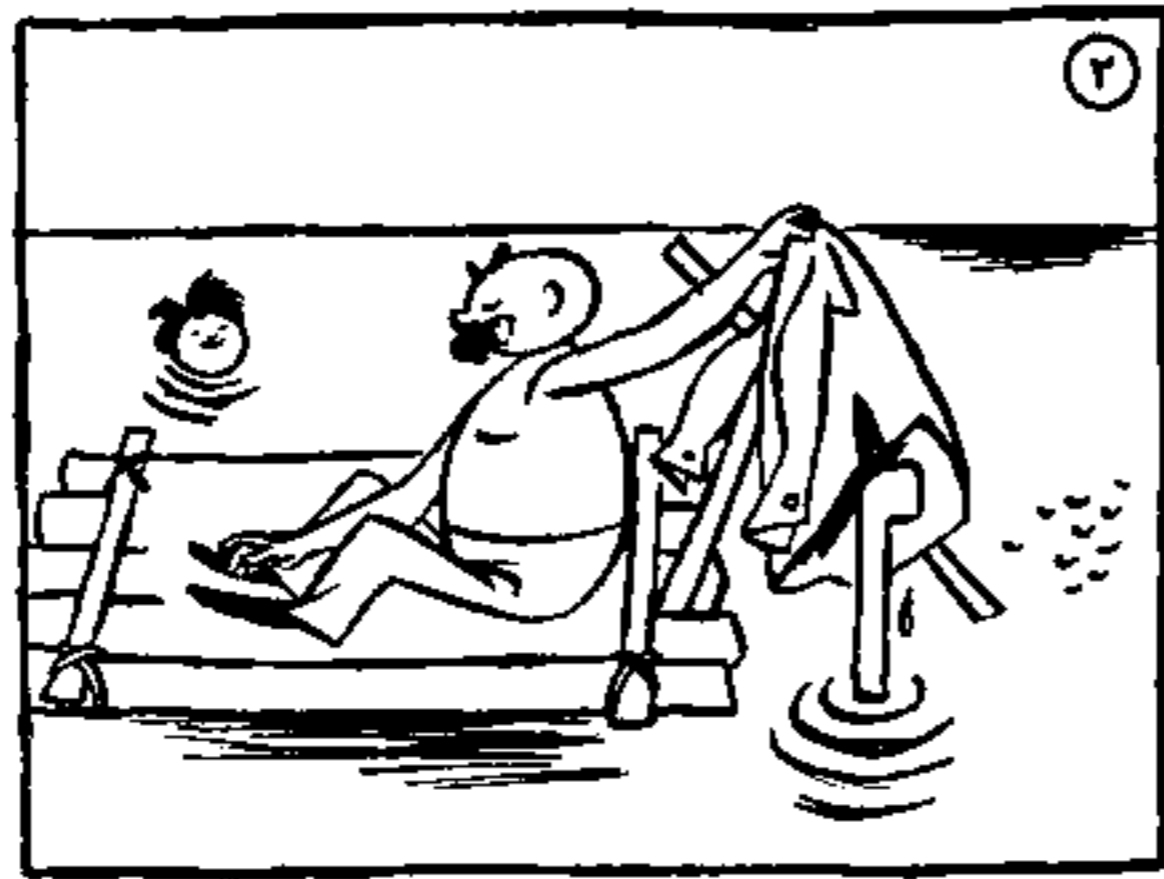
من و بابام هنوز در آن جزیره بودیم. کسی نمی‌آمد که ما را نجات بدهد. عاقبت بابام توانست از تنه درختها یک گلک بسازد. وقتی که کار ساختن کلک تمام شد، سوار آن شدیم و خودمان را به آب دریا سپردیم.

هوا آفتابی و خیلی گرم بود. همان طور که در دریا پیش می‌رفتیم، من پیراهنم را گندم و پریدم توی آب تا کمی شنا کنم و خنک بشوم. بابام هم پیراهنش را کند تا پیرد توی آب و شنا کند. دستش را دراز کرد تا پیراهنش را به چوبی که پشت سرش بود آویزان کند. ناگهان دید که پیراهنش دارد فرار می‌کند. خیلی تعجب کرد.

دلم خیلی برای بابام سوخت. تنها پیراهنش هم پا گذاشته بود به فرار. ناگهان دیدیم که پیراهن دارد بالاتر و بالاتر می‌آید. بعد یک لوله و بعد هم چیزی مثل یک دیگ بزرگ از توی آب بیرون آمد. در آن دیگ بزرگ باز شد و چشم ما به یک مرد افتاد. خوب که نگاه کردیم، دیدیم که آن دیگ بزرگ چیزی جز یک زیردریایی نیست. آن مرد هم

فرمانده زیردریایی بود.

من و بابام فریاد زدیم و کمک خواستیم. فرمانده زیردریایی آمد و ما را نجات داد. خوشحال بودیم که بابام اشتباهی پیراهنش را به لوله دورین زیردریایی آویزان کرده بود. این کار بابام سبب شد که ما، به طور مُعْجِزَه آمیزی، از آن جزیره نجات پیدا کنیم.



گوسفند بزرگِ کباب کرده برایمان آوردند. از بس گرسنه بودیم، همه آن را خوردیم. دیگر، هر دو، از خستگی و سنگینی نمی‌توانستیم از جایمان تکان بخوریم. همان جا، کنار میز، گرفتیم و خوابیدیم.

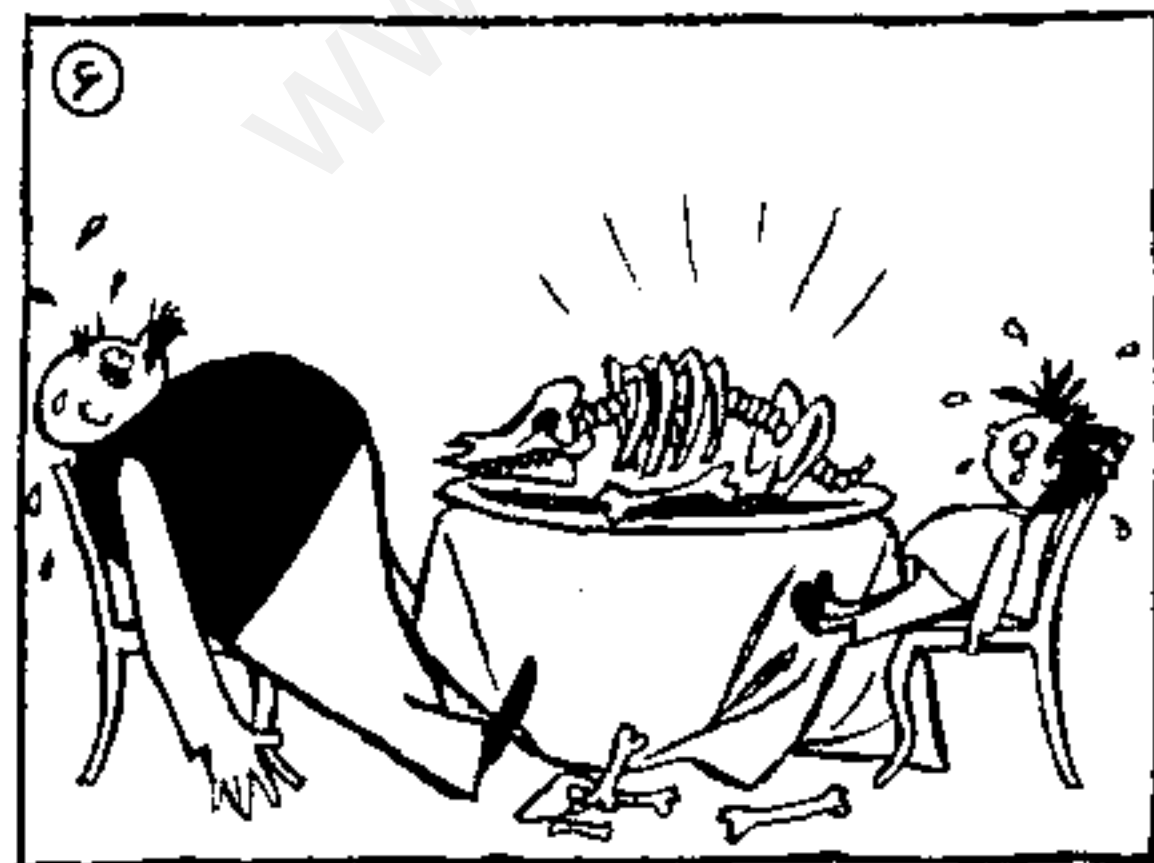
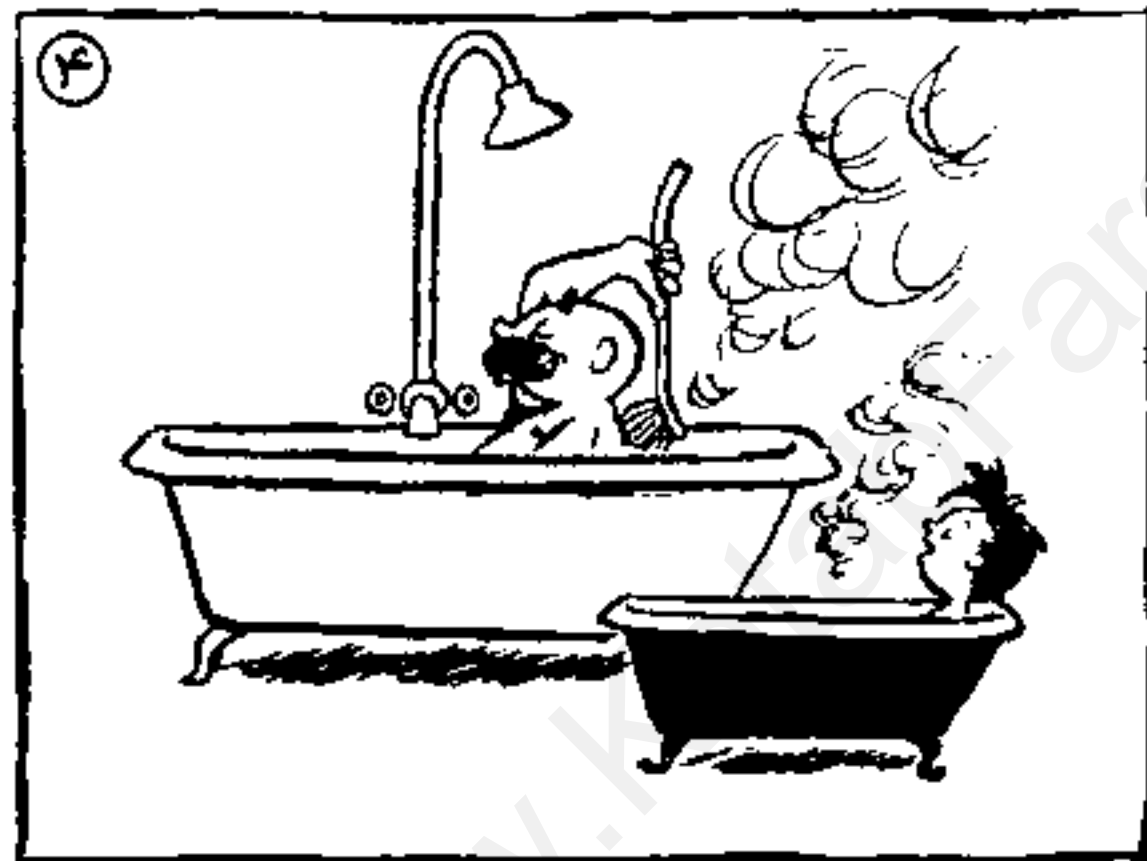
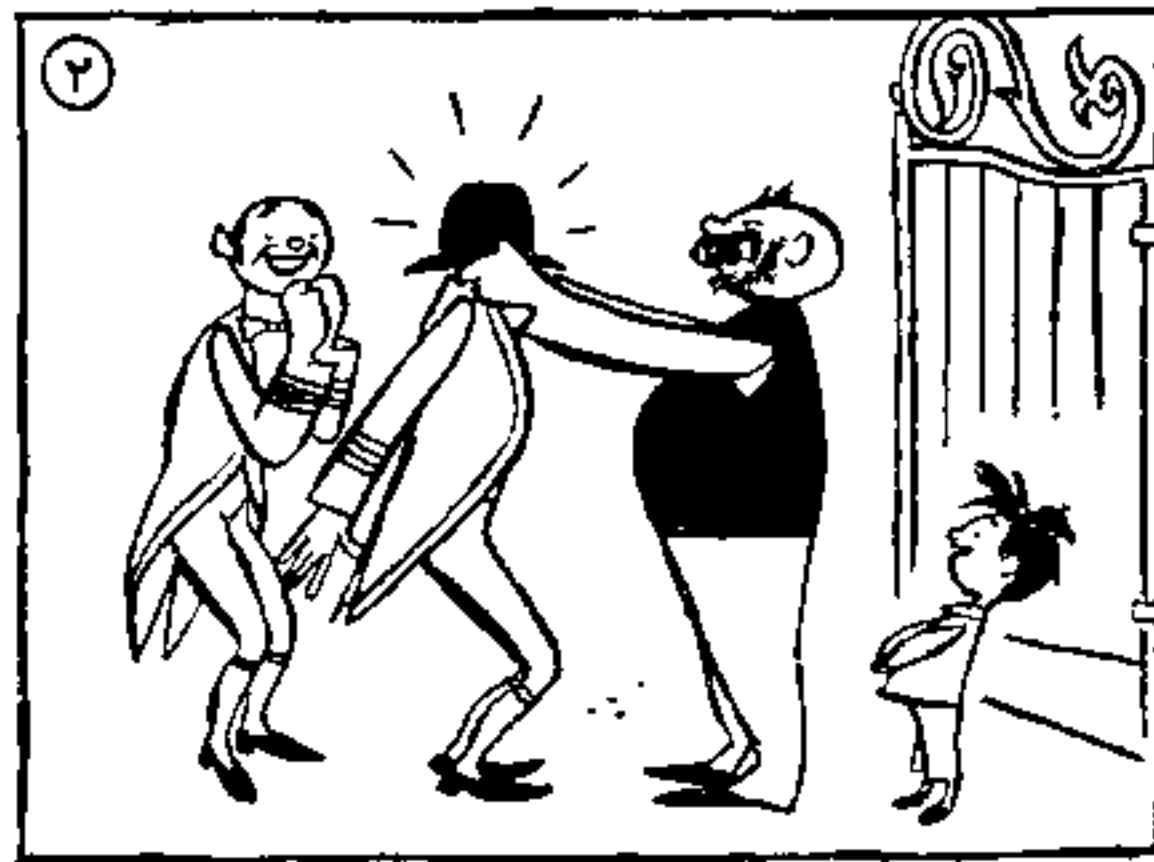
### بازگشت به خانه

من و بابام، پس از ماهها دوری از شهرمان و زندگی در جزیره، عاقبت به درِ قصر رسیدیم. زنگ در را به صدا درآوردیم. دو تا از کارکنان عجیب و غریب قصر آمدند و در را باز کردند. به روزی افتاده بودیم که ما را نشناختند. بابام هم، تا چشمش به آنها افتاد، خواست سربه‌سرشان بگذارد. آدای گداها را درآورد. یکی از آنها فریاد زد: گورتان را گم کنید و زود از اینجا بروید! اینجا قصر پدر و پسر است!

من و بابام خنده‌مان گرفت. بابام کلاهش را محکم توی سر آن مرد فرو کرد. بعد هم، با شوخی و خنده، داستان سفرِ دریایی و زندگی ما در آن جزیره را برایشان تعریف کرد.

آنها، تا ما را شناختند، باز هم با همان اداهای عجیب و غریب، هر دو با هم، به ما تعظیم کردند. من و بابام، با احترام، وارد قصر شدیم. اول به حمام رفتیم و خوب خودمان را شستیم. بعد هم رفتیم تا ناهار بخوریم.

خدمتکاران عجیب و غریب قصر یک



## بیماری ثروت و شهرت

دلماں برای شهرمان خیلی تنگ شده بود. ماهها بود که آن را ندیده بودیم. روز بعد از بازگشتمان، راه افتادیم و رفتیم تا کمی در شهر گردش کنیم. ای کاش نمی‌رفتیم! دیگر خودمان هم نمی‌توانستیم خودمان را بشناسیم. به هر جا نگاه می‌کردیم همه چیز و همه کس به شکل ما بود، ولی خود ما نبود.

ثروت‌مند شدن ما آن قدر شهرت پیدا کرده بود که بسیاری از مردم آرزو می‌کردند که مثل ما باشند. سوداگران هم، به بهانه ما، مشغول فریب دادن مردم بودند.

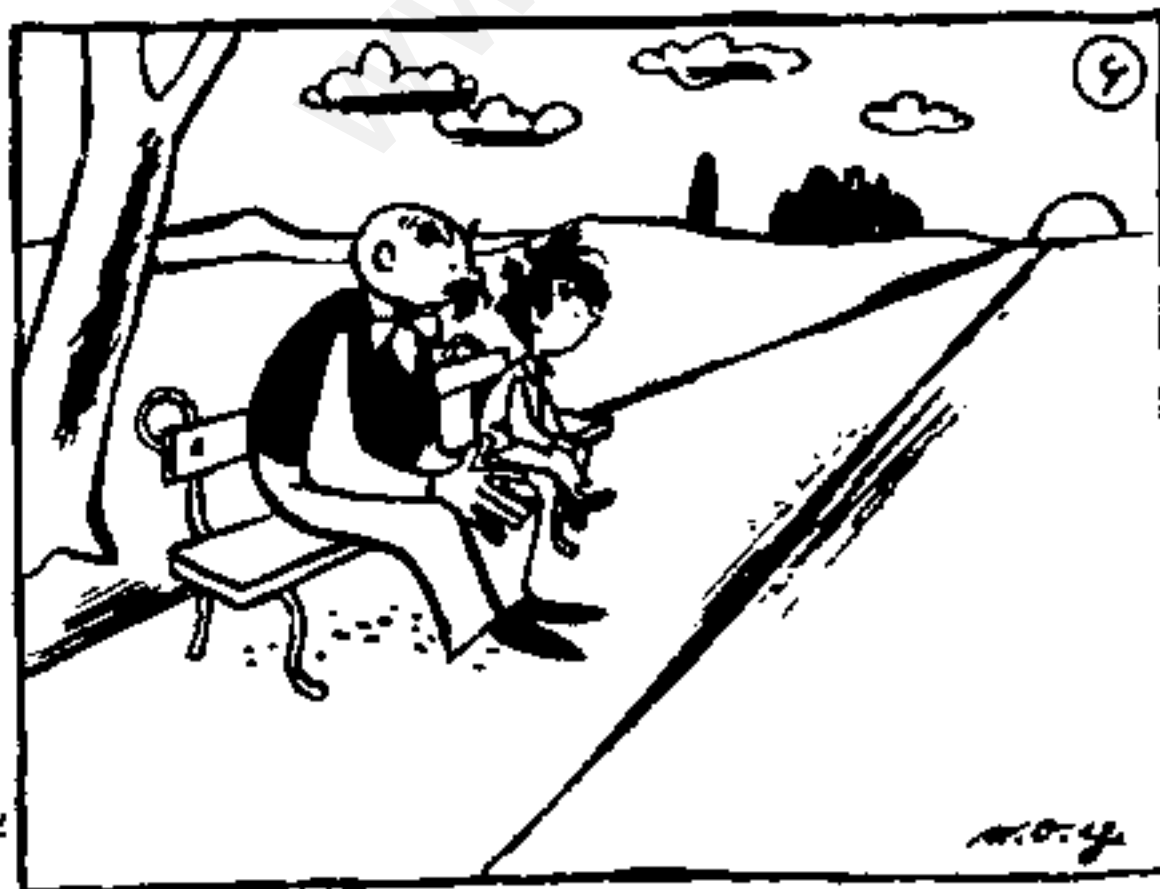
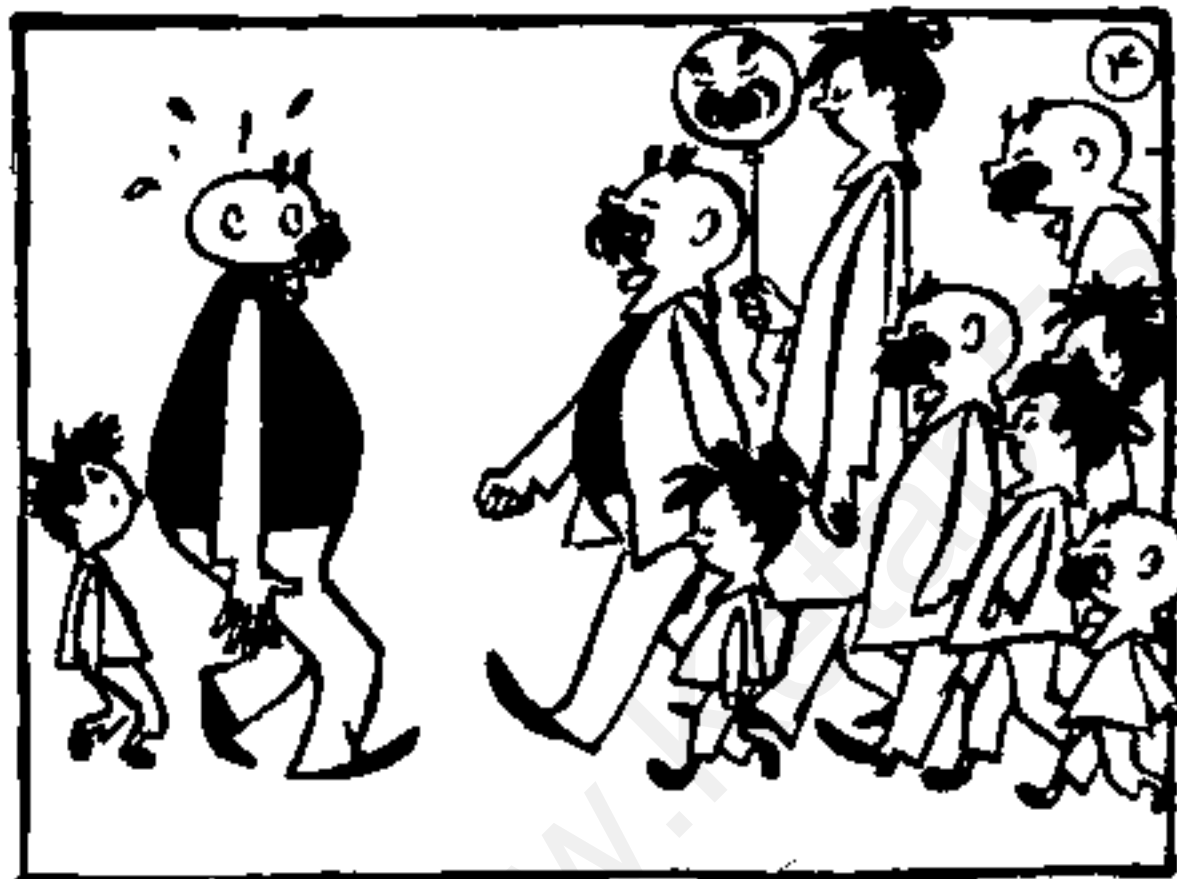
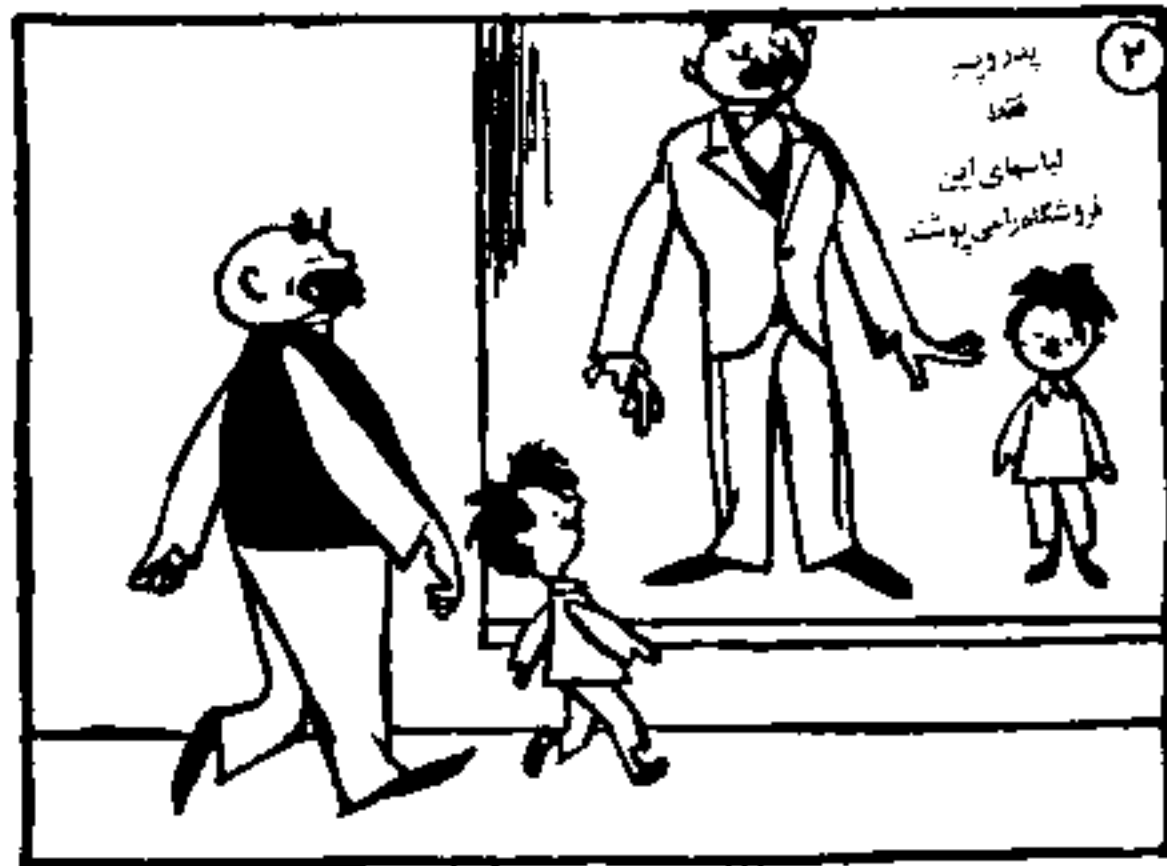
اسباب بازی فروشها عروسکهای به شکل من و بابام درست کرده بودند و می‌فروختند. لباس فروشها لباسهای، مثل لباسهای که دلشان می‌خواست من و بابام بپوشیم، دوخته بودند و می‌فروختند. تماشاخانه‌ها نمایشهای به نام من و بابام نشان می‌دادند. همه چیز به شکل ما بود و ما در میان آنها گم شده بودیم.

دیدن اینها خیلی ناراحت‌مان نکرد. می‌دانستیم

که سوداگران، هر چند یک بار، چه کارهایی می‌کنند تا سر مردم آبله کلاه بگذارند و پولشان را به جیب بزنند. وقتی خیلی تعجب کردیم و ناراحت شدیم که دیدیم مردم هم خودشان را به شکل ما درآورده‌اند. مردها شبیه بابام بودند و بچه‌ها شبیه من! زنها هم بادکنکهای، به شکل سر بابام، در دستشان بود. به جایی رسیدیم که فروشنده‌ها داشتند صورتکهای شبیه سر و صورت من و بابام می‌فروختند. مردم با آنها خودشان را به شکل ما در می‌آوردند.

دیگر از خودمان هم بدمان آمده بود. از ثروت و آن قصر عجیب و غریب و کارکنان و خدمتکارانش بیزار شده بودیم. از اینکه بازیچه مردم ابله و سوداگر شده بودیم رنج می‌بردیم. ثروت و شهرت ما، مثل یک بیماری، به همه کس و همه چیز راه پیدا کرده بود. همه می‌خواستند مثل ما باشند، ولی ما فقط می‌خواستیم خودمان باشیم.

غصه‌دار از خیابانهای شهر گذشتیم و خودمان را به بیرون شهر رساندیم. ساعتها روی نیمکتی نشستیم و فکر کردیم. نمی‌دانستیم باز هم در این دنیای پر از فریبکاری جایی برای ما هست یا نه.



### لَبِّخَنْدِ مَاه

من و بابام دیگر دلمان نمی‌خواست به آن قصر و آن زندگی پر از فریب و نیرنگ برگردیم. بیرون شهر، روی آن نیمکت، ساعتها نشستیم و فکر کردیم. دلمان می‌خواست در میان مردمی زندگی کنیم که، مثل خودمان، ساده‌دل و مهربان باشند. دلمان می‌خواست در جایی زندگی کنیم که فقر و ثروت مردم را از یکدیگر جدا و با هم دشمن نکند. دلمان می‌خواست در جایی زندگی کنیم که فریب و نیرنگ نباشد. ما عاشق دوستی و شادی و مهر و صفا و پاکی بودیم.

پاییز بود و برگریزان. درختها هم بر فرو افتادن آرزوهای ما آشک می‌ریختند. اشکشان برگهایشان بود که بر زمین می‌ریخت.

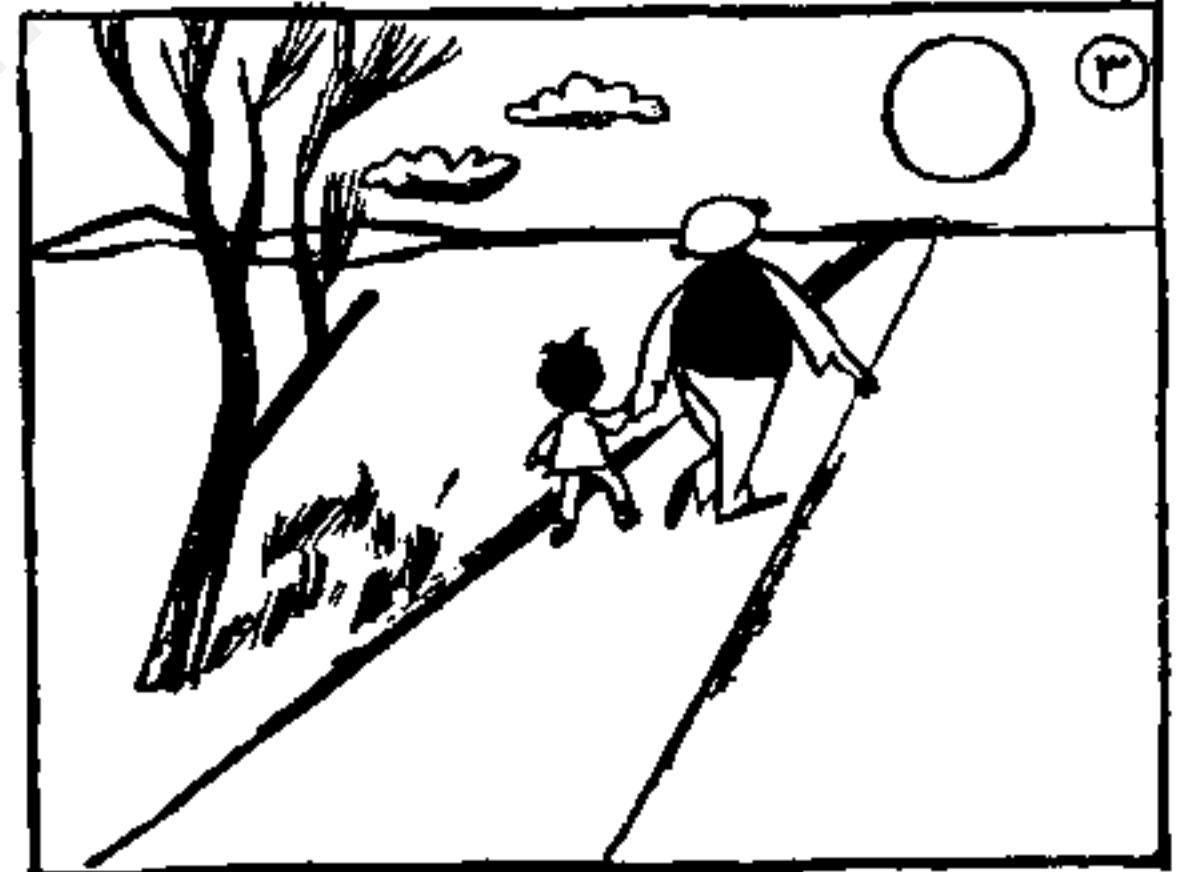
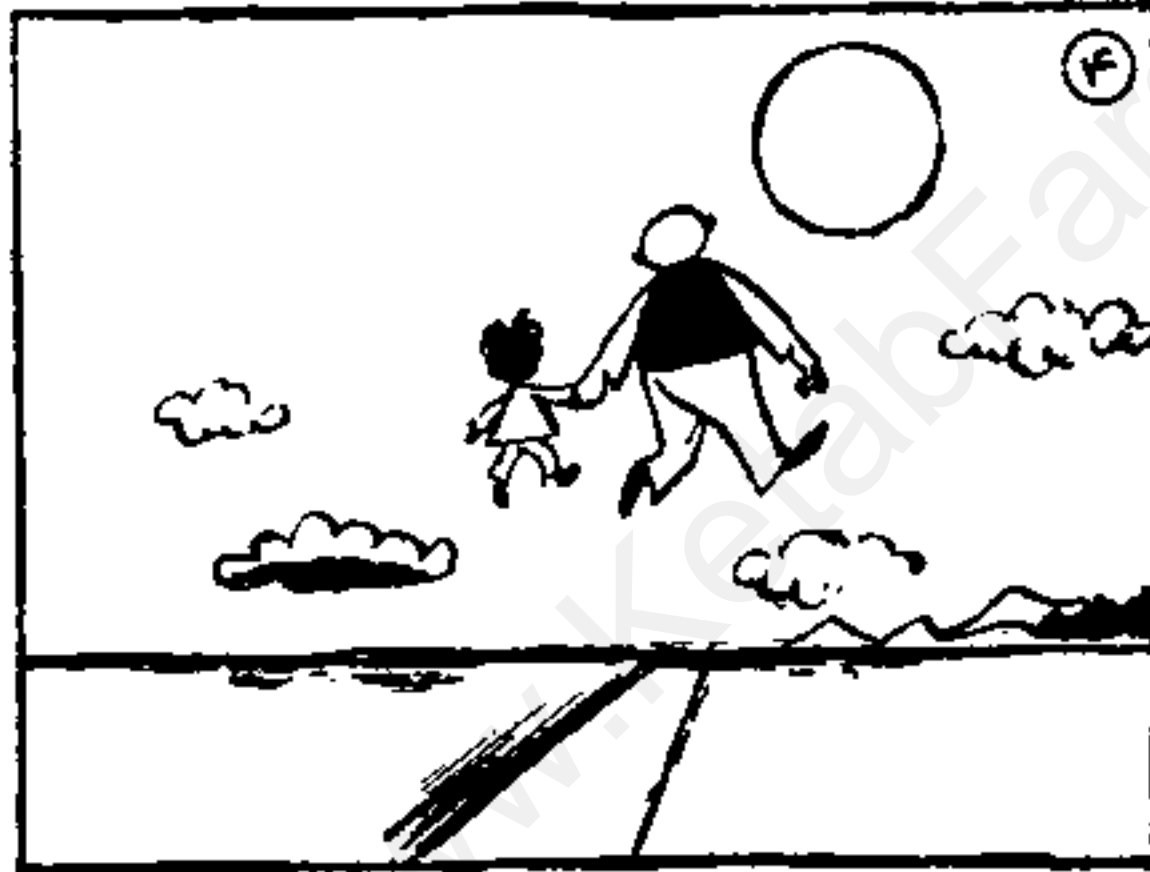
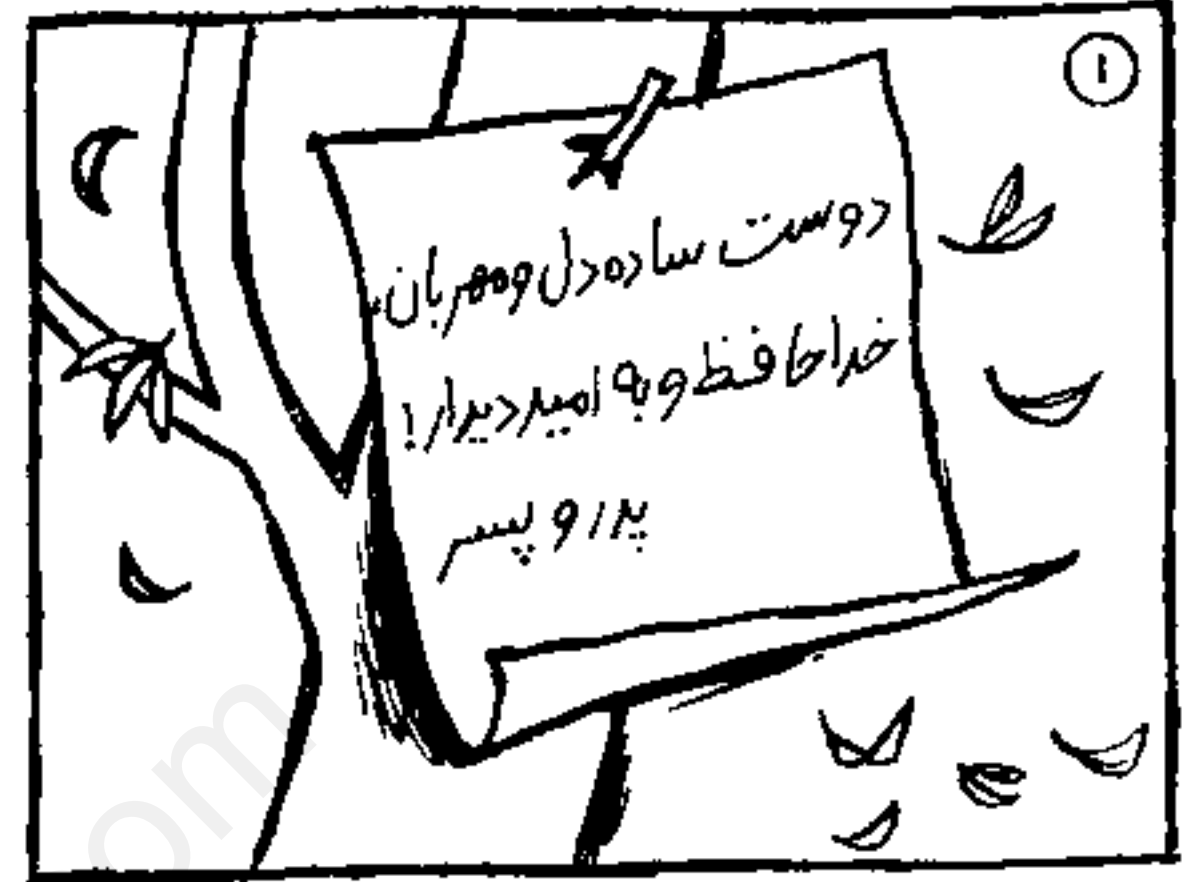
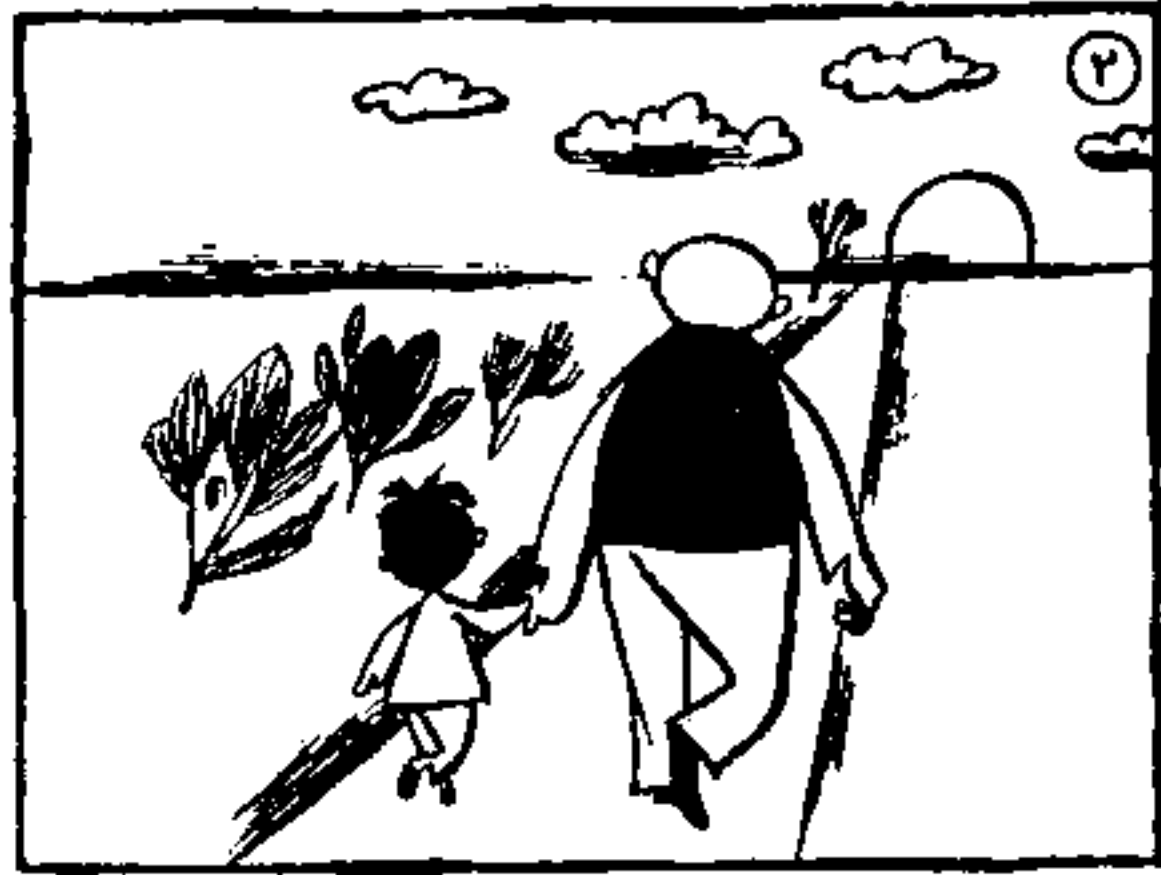
من و بابام برای آنها که هنوز چون ما ساده دل و مهربان بودند، نامه‌ای نوشتیم. آن نامه را به یکی از درختهای کهنسال پاییزی به یادگار گذاشتیم. در آن نامه آرزو کردیم که باز هم به میان مردمی که دوستشان می‌داریم باز گردیم. بعد، دست در دست هم، راه دراز زندگی را پشت سر گذاشتیم. به سوی

پاکی و صفا رفتیم. به آسمان رفتیم که صفا و پاکی‌اش بی‌پایان است. از آنجا در میان همه مردمان ساده‌دل و مهربان جهان زندگی می‌کنیم.

تو هم، ای دوست ساده‌دل و مهربان، اگر دلت بر ایمان تنگ می‌شود، نسبا به قرص ماه نگاه کن. در چهره ماه بابام را می‌بینی که به تو لبخند می‌زند. ستاره‌ای هم نزدیک این ماه خندان می‌درخشند. آن ستاره قرخشان من هستم. در آسمان هم ما از یکدیگر جدا نیستیم. ما هرگز تو را فراموش نمی‌کنیم. تو هم ما را از یاد نبر.

خدا حافظ





## سخنی با بزرگترها

### یک کتاب تصویری

کتابی که اکنون در دست شماست یک کتاب تصویری است. کتابهای تصویری یا بدون نوشته اند، یا همراه با نوشته ای کوتاه، یا تصویر در آنها کلید فهم نوشته است. این گونه کتابها، گرچه بیشتر برای کودکان انتشار می یابند، مرز سنی ندارند و کودک و نوجوان و جوان و بزرگسال، به تناسب موضوع و سادگی و پیچیدگی تصویر، از آنها بهره می گیرند.

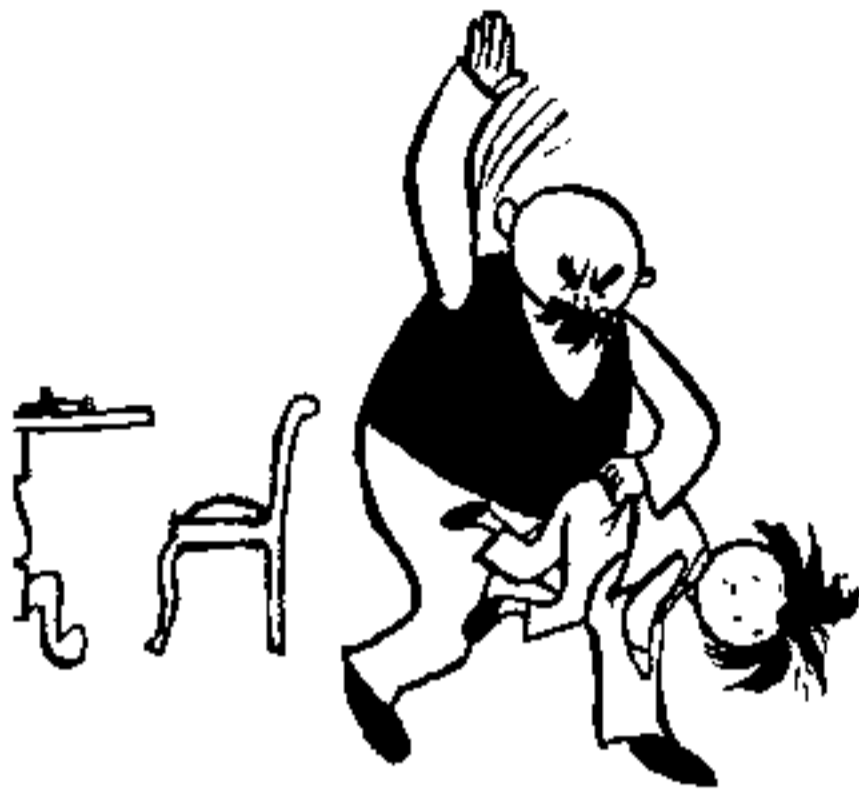
کتابهای تصویری بدون نوشته، که جای نمونه های خوششان در میان کتابهای کودکان کشور ما خالی است، بیشتر برای کودکان پیش از سن دبستان تهیه می شوند. هدف این گونه کتابها، گذشته از سرگرم کردن کودک، آماده کردن او برای خواندن و بهره گیری از کتاب است. اُتس گرفتن با کتاب، در دست گرفتن کتاب، نگاه کردن به آن، تصویر خوانی، ورق زدن صفحه ها (از راست به چپ)، دنبال کردن تصویرها (از راست به چپ و سطر به سطر و صفحه به صفحه) را کودک به یاری این گونه کتابها تجربه می کند و می آموزد، و سرانجام، به کشف بسیاری از نکته ها، پرس و جو کردن از دیگران و اندیشیدن درباره آنچه تصویر خوانی کرده است و دیده ها و شنیده های خود می پردازد.

تصویر خوانی بخشی از خواندن است، به همین سبب، کودک نیاز دارد پیش از سن دبستان، در خانه و مهد کودک و کودکستان و دوره های آمادگی تحصیلی، تصویر خوانی را به یاری بزرگترها بیاموزد.

تصویرها نیز، چون نشانه های تصویری صوتها (الفبا)، راز و رمزی دارند. خواندن یک تصویر، یعنی بازشناسی آن، نیاز به آموختن دارد. وسیله این آموختن تصویرهایی است مناسب و درخور فهم و بازشناسی کودک. کارتهای تصویری بدون نوشته، یا با نوشته، و صفحه های خاص تصویر خوانی در مجله های کودکان و کتابهای تصویری کودکان - اگر آگاهانه تهیه شده باشند - ابزارهای مناسبی برای آموزش تصویر خوانی به کودکان هستند.

کودک، برای گذراندن دوره آمادگی برای خواندن، نیاز به دهها کتاب تصویری مناسب دارد. نگاهی به برنامه های آموزشی مهد کودک و کودکستان و دبستان، و گنجینه کتابهای کودکان کشورمان گویای این نکته است که این مرحله از آمادگی کودک برای خواندن، یعنی تصویر خوانی، نادیده یا بسیار سرسری گرفته شده است. روشهای آموزشی تصویر خوانی و ابزارهای آن کم مایه اند. کتابهای تصویری بسیار اندک کودکان ما بازچایی ناآگاهانه از کتابهایی است که خاص کودکان سرزمینها و فرهنگهای دیگر انتشار یافته اند و بیشتر تفنی هستند تا آموزنده. بازشناسی و موضوع تصویرهای بسیاری از آنها فقط درخور فهم و درک کودکانی است که این کتابها برایشان تهیه شده است، نه کودک ایرانی.

کودک، نازمانی که فضای ذهنی گسترده ای نیافته است و نمی تواند تجسم کند، و خواندن نیاموخته است تا به معنی واژه های نوشتاری پی ببرد، تصویرها می توانند برخی از اندیشه ها و پیامها را به او منتقل کنند و بنمایه ای برای افزایش دانش پایه او باشند. از این گذشته، در مراحل نخوانی و مطالعه نیز تصویرها اغلب می توانند روشن کننده مفاهیم نوشته باشند. زیرا بسیاری از آنچه را هرگز نمی توان دید، یا کلام از بیان آن بر نمی آید، به یاری تصویر می توان در ذهن مجسم کرد. به همین سبب است که تصویر خوانی را بخشی از خواندن دانسته اند.



هرگونه کتاب تصویری کودکان، خواه بدون نوشته، خواه با نوشته، باید طوری مصور شود که کودک در شناخت تصویرها شک نکند و درنماند. تصویرهای این گونه کتابها باید هنرمندانه، ساده، روشن، گویا، گیرا، منطبق بر واقعیت، درست و دقیق، و مربوط به یکدیگر باشند. اگر در آنها رنگ به کار برده می شود، رنگها همان باشند که کودک در طبیعت و پیرامونش، در گل و گیاه و جانور و چیزها، می بیند. مصوّر کتابهای تصویری کودکان باید نقاشی هنرمند باشد که تصویرها را عکاسی کند، نه نقاشی. یک سوی دیگر هنر نقاشی حذف کردن است، و هنرمندی که کتاب تصویری کودکان را نقاشی می کند باید به خوبی این هنر را به کار بگیرد تا پیام تصویر در میان خطها و رنگهایی که به کار نمی آیند گم نشود. موضوع و پیام این گونه کتابها نیز باید دست کم پاسخگوی یکی از نیازهای کودک، یعنی دلپذیری و سودمندی، باشد و به پرورش رشد ذهنی کودک کمک کند.

کتاب قصه های من و بابام، به صورتی که به کودکان دلنند کشورمان هدیه شده است، یکی از نمونه های خوب کتابهای تصویری است. مصوّر کتاب هم شاعر و نویسنده ای است آگاه و هم نقاشی بسیار هنرمند. شعر

می کند و در یک خط داستانی ناپایان آخرین کتاب به هم پیوند می دهد. برخی از بزرگترها نیز که - به سببی که گفته شد - تصویرخوان نیستند، به کمک این نوشته ها می توانند کودک را در دریافت پیام تصویرها یاری دهند یا با او گفت و شنودی آموزنده داشته باشند. نوشته ها و تصویرها، در کنار هم، برای کودکان ۸ تا ۱۲ سال یک کتاب تصویری و خواندنی دلپذیر و سودمند پدید آورده است.

نوشته ها به زبان و بیان گفتاری نزدیک شده است تا بلند خوانی آن، به وسیله بزرگترها برای کودکان ۳ تا ۷ سال، دلپذیر باشند. با این همه، بزرگترها تواناییها و میزان دانش پایه کودک خود را بهتر می شناسند و در بلند خوانی هر قصه زبانی را به کار می گیرند که بیشتر درخور فهم و درک کودک باشد.

درست این است که کودک برانگیخته شود تا نخست فقط مجموعه تصویرهای هر قصه را، با توجه به نام آن قصه ببیند و رابطه و پیوند آنها و سرانجام قصه را خود کشف کند و دریابد و سپس متن قصه برایش بلندخوانی شود، یا خود این متن را بخواند.

برای کودکانی که هنوز فن خواندن را نیاموخته اند، نام قصه را، پیش از آنکه تصویرخوانی را آغاز کند، باید خوانند. بهتر است این گونه کودکان، نخستین بار، هر قصه را به کمک بزرگترها تصویرخوانی کنند تا هم راه و روش تصویرخوانی را بیاموزند و هم اگر نوشته ای در متن تصویر آمده است، آن نوشته برایشان بلندخوانی شود.

در برخی از تصویرها، چون کتاب اصلی، نوشته هایی با متن تصویر بافته شده است. این نوشته ها، با توجه به بازپرداخت کتاب، ناگزیر تغییر یافته و به فارسی نیز برگردانده شده است. بیگمان کودک، خود پایه کمک بزرگترها، درخواست یافت که نوشته های قهرمانان این قصه ها و آنچه در فضای تصویر به چشم می خورد، به سبب محیط رویدادها، می بایست به آلمانی باشد، نه فارسی.



نام داستانی بعضی از مجموعه تصویرها هم تغییر داده شده است. از اینها گذشته، بر پایه پیام پدید آورنده اثر و نیاز کودک ایرانی به روشن کردن این پیام و مفاهیم پیچیده برخی از تصویرها، داستانی از آغاز تا انجام برای این سه کتاب تصویری بدون کلام نوشته شده است.

تصویرهای هر کتاب، به تنهایی یک کتاب تصویری بدون نوشته است و می تواند وسیله ای کارآمد برای تصویرخوانی کودکان ۳ تا ۷ سال باشد که هنوز فن خواندن را نیاموخته اند. نوشته هایی که همراه با تصویرهای هر قصه، در صفحه ای جدا، آمده است به صورتی تهیه و ساده نویسی شده است که کودکان دبستانی، از پایان کلاس دوم به بعد، به آسانی بتوانند آنها را بخوانند و به معنی و مفهوم نوشته و پیوند آن با تصویرها بی ببرند. اعرابگذاری واژه های دشوار به این گروه از کودکان کمک می کند تا این گونه واژه ها را درست تلفظ کنند و معنی آنها را دریابند، یا از دیگران پرسند و معنی آنها را بیابند. از این گذشته، نوشته ها پیام بعضی از تصویرها را که برای کودک ایرانی ناشناخته است روشن

و نوشته او، چون هسته ای در درون میوه، در تصویرهای هنرمندانه اش نهفته است. پیامی دارد که آن را در سراسر کتاب دنبال می کند. پیامش انسانیت است. عشق و امید، پاکی و صفا، مهر و دوستی است. آن را به گونه ای بسیار دلپذیر و سودمند و آموزنده تصویر کرده است. به آن چاشنی طنز افزوده است تا گوارای هر ذهن مشکل پسندی باشد. تصویرهای هنرمندانه است و بیشتر به عکسهایی می ماند که خطها و فضای افزون بر نیاز آنها حذف شده باشد. در سراسر کتاب حتی یک خط در تصویر نمی توان یافت که برای انتقال پیام به آن نیاز نباشد. تصویرها به تنهایی سخن می گویند و بیانگر پیام پدید آورنده اثرند. و به راستی برای کودکانی که این کتاب برایشان پدید آمده است نیازی به کلام ندارند.

## بازپرداخت کتاب و بهره گیری از آن

این کتاب، با توجه به دانش پایه و نیازهای کودک ایرانی، به صورتی بازپرداخت و نوشته شده است که بتواند بیشتر درخور فهم و درک باشد و گروه بیشتری را به کار آید. در این بازپرداخت، تصویرهای هر سه کتاب اصلی جابه جا شده اند تا هر مجموعه از آنها زیر عنوانی قرار بگیرند و بر روی هم یک خط داستانی پیگیر را دنبال کنند. برای هر کتاب عنوانی برگزیده شده است تا خط داستانی را، پس از معرفی قهرمانان و بیان رویدادها، در آخرین کتاب به اوج و پایان برساند. تصویرها از راست به چپ تنظیم شده اند تا با خط حرکت چشم کودک فارسی زبان هماهنگ باشند. از ۱۵۰ مجموعه تصویر سه کتاب اصلی ۹ مجموعه تصویر، که با فرهنگ و نیاز و فهم کودک ایرانی سازگاری ندارند، کنار گذاشته شده است. به همین سبب، در چند تصویر هم تغییری بسیار اندک داده شده است تا در شمار تصویرهایی قرار نگیرند که آوردن آنها در کتاب دشواریهایی را سبب شود. در

شده است.



آنچه را بعضی از بزرگسالان می‌سنندند که باید باشد. او «هنرمند» است، نه «مربی». به این سبب، در بعضی از قصه‌ها دید هنرمندان او با دید یک مربی نکته‌سنج و گاه بسیار سختگیر - که هرگز نمی‌خواهد بدیها و رفتارهای ناپسند را کودک ببیند و احساس کند - تفاوت بسیار دارد. گرچه این گونه سختگیرها در کار تعلیم و تربیت جای تأمل و بحث فراوان دارد، و تعلیم و تربیتی که بر پایه واقعیت‌های زندگی نباشد انسان نمی‌پرورد. به احترام رأی بعضی از مربیان جامعه خود - که عقیده ای جز این دارند - این گونه قصه‌ها در این بازپرداخت نیامده است. از این گذشته، درمستی که برای هر قصه نوشته شده است، به این نکته توجه

نخستین بار کودکان کشور ما در مهرماه ۱۳۴۶ با قصه‌ای از «قصه های من و بابام» آشنا شدند. ۱ از آن پس نیز، تا فروردین ماه ۱۳۵۳، یکی از این قصه‌ها بر پشت جلد هر یک از شماره های مجله پیک نوآموز نقش می‌بست، و در پی انتشار هر شماره، صد ها نامه از کودکان و مربیان آنها به دفتر مجله می‌رسید. کودکان و گاه بزرگترها با مهر بسیار شادبهاشان را از انتشار این قصه‌ها با ما در میان می‌گذاشتند. گهگاه نیز بعضی از بزرگترها بر ما خشم می‌گرفتند که برخی از این قصه‌ها رفتارهایی ناپسند به کودکان می‌آموزد.

«قصه های من و بابام»، که اینک در سه کتاب به کودکان دل‌بند کشورمان هدیه می‌شود، بازپرداخت کتابی است تصویری به نام «پدر و پسر» (Vater und Sohn) اثر جاودانه اِریش اُزر (Erich oh Ser) نقاش هنرمند و توانای آلمانی. در این بازپرداخت، هم به نامه‌های بیشمار کودکان و شوق و ذوقشان از دیدن این قصه‌های تصویری و خواندن هر قصه توجه شده است، و هم به رهنمودهای مربیان سختگیر و مشکل‌پسند. با این همه، گفتنی است که اِریش اُزر در دید آوردن این قصه‌ها به نزدیکتر کردن کودک و پدر و پیوندی مهر آمیز و دوستانه میان آن دو بیشتر توجه داشته است تا برخی از اصول تربیتی قراردادی که ما بزرگسالان در تعلیم و تربیت کودکان بر آنها تکیه داریم. او می‌کوشد تا تلخ‌ها و شیرینیها و اندوهها و شادبهای زندگی را با طنزی دلنشین بر زمینه ای از واقعیت تصویر کند. آنچه را هست می‌بیند، نه

(۱) در سالهای ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ یکی از روزنامه‌ها در صفحه مخصوص کودکان و مجله‌ای که برای این گروه انتشار می‌دهد، به چاپ برداشتی از این قصه‌ها، با تکیه بر آنچه در مجله پیک نوآموز آمده بود، پرداخت.

صدوبینجاه داستان تصویری بدون نوشته پدر و پسر، در اصل نیز، در سه کتاب انتشار یافته است. هر داستان فقط عنوانی دارد و در بعضی از آنها نوشته‌هایی بسیار کوتاه با متن تصویر درهم آمیخته است. قهرمانان داستانها پدری میانسال و پسری هشت - نه ساله اند. مهر و شادی و طنز بنمایه داستانهای زندگی این دو قهرمان است.

پدر و پسر ساده دلند و پراحساس. با همد و یار و یاور هم. به همین سبب، نیروهایشان را در مبارزه با سختیهای زندگی در یک جهت به کار می‌گیرند. هر دو تلاش می‌کنند تا با رویدادهای زندگی سازگار باشند و بر تلخ‌ها و پیشامدهای ناگوار پیروز شوند. فریب نمی‌خورند و تحت تأثیر رفتارهای ناپسند دیگران قرار نمی‌گیرند. در برابر ناکامیها از پا در نمی‌آیند و خود را نمی‌بازند. استوارند و وفادار به شخصیت خود. به همین سبب، بیشتر راه درست را می‌یابند و بر نیرنگهای زندگی چیره می‌شوند. می‌دانند چه می‌خواهند و همان کار را می‌کنند که می‌خواهند. رفتاری ثابت دارند. لحظه ای خوب و لحظه ای بد نیستند. نبات این دورا نقاش حتی در لباس و چهره آنها در تمامی داستانها پیگیری کرده است. پدر جلیقه ای سیاه بر تن دارد. این رنگ سیاه در سراسر کتاب برجای مانده است. پسر نیز همواره لباسی یکسان و مویی آشفته دارد.

پدر و پسر پیوندی مهر آمیز با هم دارند. هر پدر و پسری را برمی‌انگیزند تا شخصیت آنها را در خود بجوید و آرزو کند که چون آنها باشد. محبوبیت آنها تنها در این نیست که خنده آورند. بیشتر برای این است که دو سر مشق پیوند مهر آمیز یک پدر و یک پسرند. بر نری پدر و فرمانروایی پدران او در این پیوند نقشی جدایی آفرین ندارد. در میان مهر و دوستی پدران، گاهی پسر، به سبب کاری ناپسند، تنبیه می‌شود. پسر هم، هر زمان که احساس می‌کند که حق یا اوست، پدر را به مبارزه می‌طلبد و در برابر ستمی که بر او رفته است

بگذرد و در پایان ویرانیه‌ها و خونریزیها و دربه‌دریها و تنگدستیها، چون قصه‌ای از قصه‌هایش، بر سرنوشت جنگ افروزان لبخندی طنزآمیز بزند.

اریش از نقاشی هنرمند بود. کاریکاتورهای سیاسی او در روزنامه‌های آلمانی آن زمان شهرت فراوان داشت. مردی مهربان بود. طبیعت و جانوران و عواطف و احساسات صادقانه و بی‌پیرایه کودکان و شیطنتهای آنها را بسیار دوست می‌داشت. هنگامی که همسرش را از دست داد، برای سرگرم کردن تنها فرزند خردسالش، قصه‌هایی از فراز و نشیبهای زندگی می‌آفرید و با شوخی و طنزی دلنشین تصویر می‌کرد، و پدرو پسر زمانی پراز مهر و صفا و شادی را در کنار هم می‌گذرانند. همین تصویرها مایه اثری فناناپذیر در ادبیات کودکان شد که در سال ۱۹۲۶ در سه کتاب، به نام پدر و پسر، انتشار یافت. نامه‌هایی که کودکان پس از انتشار این کتاب برای اریش از فرستادند بشمار بود. هنگامی که این هنرمند در شهری به کلاس درسی می‌رفت، کودکانی که او را از راه کتابش شناخته بودند به دورش حلقه می‌زدند و مقدمش را گرامی می‌داشتند. پس از مرگش، بسیاری از کودکان، در آلمان و کشورهای که کتابش به آن سرزمینها راه یافته بود، در مرگ او گریستند و نامه‌های تسلی بخش فراوان برای پسر واقعی‌اش، کریستیان (Christian) فرستادند.

به راستی مرگ او پایان زندگی‌اش نبود. نامش و یادش، چون این اثرش، جاودانه است و همواره در دل کودکان با عشق و دوستی و شادی زنده باقی خواهد ماند. او کوتاهترین راه را برای رسیدن به زندگی جاودانی برگزیده بود: از قلب نقاشی هنرمند و نویسنده و شاعر به قلب کودکی بر احساس و ساده دل و مهربان.

۱۳۶۱

مردادماه ۱۳۶۱

که اثر هنری او را به صورت یکی از شاهکارهای فناناپذیر جهان درآورده اند.

همان گونه که در سال ۱۳۴۶ در پیغم آمد که کودکان دلیند کشورمان از این اثر محروم بمانند و آن را سالها، به گونه‌ای دیگر، نقش صفحه‌ای از مجله پیک نوآموز کرده بودم، اکنون که سبب و فرصتی دیگر پیش آمده است، در پیغم آمد که کودکان ما این کتاب را، که در گنجینه ادبیات جهانی کودکان اثری برجسته است، دردسترس نداشته باشند. آنچه من در برابر هنر والای پدید آورنده اثر انجام داده‌ام فروتنی است و ستایش.

### پدید آورنده «پدر و پسر»

سه جلد کتاب پدر و پسر فقط اشاره‌ای دارد به پدید آورنده این اثر. فراتر از آن را نه در فرهنگنامه‌ای توانستم بیابم و نه در نوشته و کتابی دردسترس. آنچه در زیر می‌آید بر پایه یادداشتی است که در سال ۱۳۴۶ در پاسخ نامه‌ای در این باره از سفارت جمهوری آلمان فدرال دریافت کردم و گفت و شنودی که با تتی چند از پژوهشگران ادبیات کودکان در شهرهای برلین و کلن در این زمینه داشته‌ام.

اریش اُزرا، که نام مستعار هنری خود را بر آثارش پلاوئن (E.O. Plauen) گذاشته است، در سال ۱۹۰۳ در شهر پلاوئن ۳ به دنیا آمد و در ۱۹۴۴ در برلین درگذشت. کودک بود که از رنج و کشتار جنگ جهانی اول جان به دربرد، و هنوز جوان بود که با زندگی اندوهبار خویش، در جنگ جهانی دوم بدرود گفت. آن قدر نماند تا سالی دیگر بر عمرش

(۲) امضای هنری او چنین بود: *E.O. Plauen* که کوتاه شده نام و نام خانوادگی او، و نام زادگاهش است.

(۳) Plauen امروز شهری است در جنوب جمهوری دموکراتیک آلمان (آلمان شرقی)، نزدیک مرز آلمان غربی و چکسلواکی.

ایستادگی می‌کند.

پدرو پسر در سادگی و آرامشی کودکانه به سر می‌برد. با آنچه دارند می‌سازند و دلخوشند. ظواهر فریبنده زندگی را مسخره می‌کنند و از آنها می‌گریزند. حتی هنگامی که ناگهان هردو ثروتمند می‌شوند، با ثروت بازی می‌کنند. نه زندگی. کسی که می‌تواند بخرد تلاش می‌کند تا همه دنیا را بخرد و به چنگ بیاورد. ثروت و شهرت محکهای هستند برای سنجش شخصیت انسانها. پدرو پسر از این آزمایش بی‌روز بیرون می‌آیند. ثروت و شهرت را به بازی می‌گیرند و از آنها می‌گریزند. تنهایی در ثروت و شهرت را با تنهایی در جزیره‌ای دورافتاده عوض می‌کنند. چون روبنسون کروزو (Robinson Crusoe) قهرمان داستان دنیل دفو (Daniel Defoe)، نویسنده انگلیسی، در آن جزیره متروک روزگاری می‌گذرانند و بردشوارهای بی‌روزی می‌شوند. هنگامی هم که از آن جزیره نجات می‌یابند، برای از دست دادن جزیره‌شان اشک نمی‌ریزند. آنها یکدیگر را دارند و به آنچه گذشته است و آنچه نیامده است دل نبسته اند. شادی زندگی را در لحظه‌ای که با هم هستند می‌جویند. سرانجام نیز، دست در دست هم، راه دراز زندگی را پشت سر می‌گذارند. از بلیدیه‌ها می‌گریزند و به پاکی و صفای آسمان پناه می‌برند. در آسمان نیز، چون ماه و ستاره، با همند و بر مردم ساده دل و مهربان زمین نور می‌پاشند و به آنها لبخند می‌زنند.

کتاب پدرو پسر سالهاست که در میان کودکان بسیاری از کشورهای جهان محبوبیتی روزافزون داشته است. چهره‌های شاد پدر و پسر را همه کودکان دوست دارند و از دیدن آنها و بی‌بردن به ماجراهای طنزآمیز زندگی‌شان لذت می‌برند. مداد رنگی و رنگ و قلم مو برمی‌دارند و به دلخواه خود تصویرهای داستان را رنگ می‌کنند. شاید به همین سبب بوده است که اریش از فرستادگیهای هنرمندان اش رنگی دیگر به کار برده است تا از این راه نیز بیوندی مهر آمیز و جاودانی با کودکان داشته باشد، و این کودکان هستند

واژه، بخش کتاب کودک و نوجوان انتشارات فاطمی،  
منتشر کرده است:



## آدم کوچک و خوابهای بزرگ

برای کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال

کودکان آرزو دارند که هر چه زودتر بزرگتر و بزرگتر شوند تا همان کارهایی را بکنند که بزرگترهای آنها می‌کنند. فرمانهای کوتاه «بکن!» و «نکن!»، که بیشتر بدون هیچ چون و چرایی به کودک داده می‌شود، از سرعت طبیعی رشد عقلی او می‌کاهد. آدم کوچک و خوابهای بزرگ قصه آرزوهای کودکی است که می‌خواهد هر چه زودتر بزرگتر و بزرگتر بشود، و چون به آنچه می‌خواهد نمی‌رسد، خود را کوچکتر می‌انگارد و برای خود داستانها می‌آفریند. مادری آگاه دارد که در گیرودار این آرزوها و ناکامیها با او کنار می‌آید.

نویسنده کتاب، که با زبان و بیانی ساده و گیرا و دلنشین قصه آرزوهای این کودک را بازگو می‌کند، سرانجام به این پیام می‌رسد که اندازه خود بودن چه خوب است!



## ستاره مرزمین رؤیا

کودکان به آنچه مال خودشان است دلبستگی و پیوندی مهرآمیز و عاطفی دارند، حتی اگر جانوری دستاموز یا وسیله‌ای بیجان باشد. با آنها ساعتها حرف می‌زنند، و در رؤیاهای شیرین و تلخ خود آنها را شریک می‌کنند. ستاره مرزمین رؤیا داستانی است بلند که در قالب قصه‌ای واقعی - تخیلی، به زبان و بیانی ساده و گیرا و دلنشین، از دلبستگیهای عاطفی پسرکی روستایی به خروسش سخن می‌گوید. نویسنده حقیقت و تخیل را چنان بهم آمیخته است که به زحمت می‌توان مرزی میان این دو شناخت.



## شیشه عمر

همدلی و همفکری دشواریها را از پیش پا برمی‌دارد و سرسخت‌ترین دشمنان را وادار به تسلیم می‌کند. خانواده کوچکترین ارگانی است که می‌تواند در ایجاد همدلیها و همفکریها نقش سازنده‌ای برعهده بگیرد و اجازه دهد کودکان و نوجوانان از دنبال کردن هدفهای جمعی لذت ببرند. شیشه عمر داستان طنزآمیز، و پرماجرایی است در این زمینه. همگامی اعضای یک خانواده را می‌رساند که می‌خواهند خود را از شر موشی که در خانه آنها جا خوش کرده است، آسوده کنند.

**واژه**، بخش کتاب کودک و نوجوان مؤسسه انتشارات فاطمی، می‌کوشد تا زمینه‌های خالی و کمیاب خواندنیها و ادبیات کودکان و نوجوان را با انتشار کتابهای مناسب و آموزنده پر کند.

**واژه منتشر کرده است**

- |  |   |   |
|--|---|---|
| <p>□ <b>کنراد پسرک ساخت کارخانه</b><br/>برای کودکان ۹ سال به بالا و نوجوانان و برای مادران و پدران</p> | <p>□ <b>رسم ما، سهم ما</b><br/>داستانی براساس آیینهای مردم جنوب ایران برای کودکان و نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال</p> | <p>□ <b>غزوه‌های حضرت محمد (ص)</b><br/>در ۴ کتاب، برای نوجوانان</p>   |
| <p>□ <b>شاخهای ملوس</b><br/>برای کودکان ۸ تا ۱۲ سال</p>  | <p>□ <b>موج بزرگ</b><br/>زندگی از مرگ قویتر است.<br/>برای کودکان و نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال</p>                  | <p>□ <b>قصه‌های من و بابام</b><br/>از برجسته‌ترین کتابهای تصویری کودکان جهان در ۳ کتاب، برای کودکان ۳ تا ۱۲ سال</p> |
| <p>□ <b>نشیته عمر</b><br/>برای کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال</p>                                       | <p>□ <b>یک میلیون</b><br/>برای کودکان ۹ تا ۱۲ سال</p>   | <p>□ <b>چشم، چشم، دو ابرو!</b><br/>القبای طراحی علمی در نقاشی برای کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال</p>                |
| <p>□ <b>وحشتناکترین حیوان دنیا</b><br/>برای کودکان و نوجوانان ۱۰ تا ۱۵ سال</p>                         | <p>□ <b>ازوپ در کلاس درس</b><br/>۶۶ نمایشنامه پندآموز<br/>برای کودکان ۸ تا ۱۲ سال و مربیان و معلمان آنها</p>  | <p>□ <b>قلم موی جادر</b><br/>افسانه‌ای کهن از سرزمین چین برای کودکان ۵ تا ۱۲ سال</p>                                |
| <p>□ <b>آدم کوچک و خوابهای بزرگ</b><br/>برای کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۲ سال</p>                         | <p>□ <b>آنانسی، آدم عنکبوتی</b><br/>قصه‌هایی از سرزمین جامائیکا<br/>برای کودکان ۹ تا ۱۲ سال</p>               | <p>□ <b>۴۲ بازی با ۲۴ چوب کبریت</b><br/>برای کودکان و نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال</p>                                     |
| <p>□ <b>باغ وحش آسمان</b><br/>برای کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۲ سال</p>                                   | <p>□ <b>کوکو، برنده ساعت</b><br/>برای کودکان ۸ تا ۱۰ سال</p>  | <p>□ <b>بازیهای ورزشی برای رشد ماهیچه‌ها</b><br/>برای کودکان و نوجوانان ۸ تا ۱۵ سال و مربیان و معلمان آنها</p>      |



## واژه منتشر می‌کند

□ آن‌که آمد، آن‌که رفت

داستان کوتاه برای کودکان ۹ تا ۱۲ سال

□ از فرق سر تا نوک پا

ساختمان بدن کودک و بهداشت بدن

برای کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال

□ بازی با عدد

برای کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال

□ چیستانها

برای کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال

□ انگلیسی برای کودکان ۷ تا ۹ سال

در سه کتاب همراه با نوار

□ ایتکی پیتکی

داستان کوتاه برای کودکان ۹ تا ۱۲ سال

□ نگاهی به تاریخ علم

کتابهای دیگری است از مجموعه نگاهی به تاریخ علم، برای نوجوانان، که قبلاً پانزده کتاب آن انتشار یافته است. انتشار این مجموعه ادامه دارد.

- |                 |                    |                |
|-----------------|--------------------|----------------|
| ○ آبر رسانی     | ○ کامپیوترها       | ○ پیدایش زندگی |
| ○ انرژی خورشیدی | ○ روباتها          | ○ ژنها و ژنتیک |
| ○ آتشفشانها     | ○ گیهان            | ○ چو زمین      |
| ○ فتوسنتز       | ○ خون              | ○ سرعت نور     |
|                 | ○ زغال سنگ         | ○ نور خورشید   |
|                 | ○ زندگی در اقیانوس | ○ مغز آدمی     |

□ روبهک

برای کودکان ۸ تا ۱۲ سال

□ نگاهی به تاریخ علم

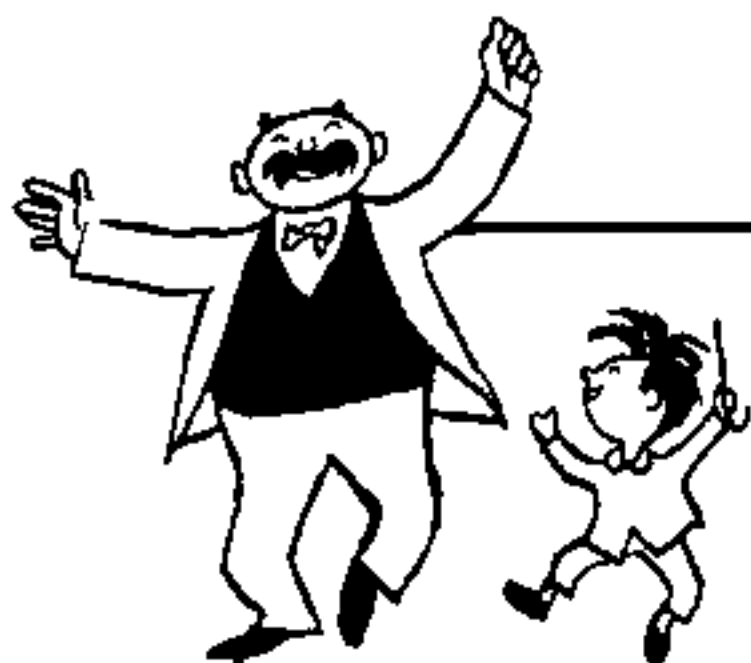
در ۱۵ کتاب، با اشاره به زندگینامه

۲۷۰ تن دانشمند و پژوهشگر در

زمینه‌های گوناگون علمی

برای نوجوانان:

- |                |                 |
|----------------|-----------------|
| ○ الکتریسیته   | ○ قاره قطب جنوب |
| ○ دنباله دارها | ○ میکروبها      |
| ○ سیاهچاله‌ها  | ○ دینوزورها     |
| ○ زمینلرزه     | ○ شکل زمین      |
| ○ عدد          | ○ اتم           |
|                | ○ انرژی         |
|                | ○ نفت           |
|                | ○ انرژی هسته‌ای |
|                | ○ انسان در فضا  |
|                | ○ ویتامینها     |



این کتاب مال من است:

نام من: .....

سن من: .....

نشانی خانم: شهر ..... خیابان .....

کوچه ..... شماره .....

این کتاب را ..... در تاریخ ..... به من هدیه کرده است.

این کتاب را در تاریخ ..... از ..... خریده‌ام.

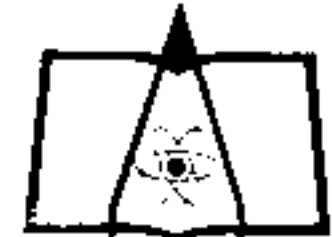
این کتاب را به کمک ..... خوانده‌ام.

این کتاب را در تاریخ ..... خوانده‌ام.

نظرم درباره این کتاب:

قصه‌های من و بابام در سه کتاب منتشر شده است:

- کتاب اول: بابای خوب من
- کتاب دوم: شوخیها و مهریانیها
- کتاب سوم: لبخند ماه



یکی بود، یکی نبود. یک پدر بود و یک پسر بود. این قصه نیست. پدر نامش اِریش اُزر بود و در سال ۱۹۰۳ در شهر پلاوین در آلمان به دنیا آمده بود. دوره دبیرستان را گذراند و در دانشکده هنر در شهر لایپزیگ هنر نقاشی را آموخت. بیست و هشت ساله بود که پسرش، کریستیان، به دنیا آمد. همان طور که در عکس می بینیم، این پدر و پسر به راستی بودند و قصه هایشان هم فقط قصه نیست.

اِریش اُزر در دورانی زندگی می کرد که آلمان گرفتار حکومت دیکتاتوری و استبدادی هیتلر و یاران فاشیست او شد. اِریش اُزر از راه نقاشی کردن با این حکومت و ظلم و ستم فرمانروایان کشورش مبارزه می کرد. برای روزنامه های آن زمان کاریکاتورهای سیاسی می کشید. به همین سبب، فرمانروایان آلمان از او و کارهایش خوششان نمی آمد و نمی گذاشتند نقاشیهایش در روزنامه ها و کتابها چاپ شود. از آن پس بود که اِریش اُزر نقاشیهایش را با نام پلاوین امضا می کرد.

عاقبت هم او را پس از چاپ کتاب کاریکاتورهای سیاسی اش، در سال ۱۹۴۰ به زندان انداختند. می خواستند محاکمه اش کنند، ولی اِریش اُزر که می دانست به دست فاشیستها کشته خواهد شد، در ۵ آوریل ۱۹۴۴ در زندان خودکشی کرد. اِریش اُزر، گذشته از کاریکاتور سیاسی، برای پسرش هم قصه های دلنشین و خنده دار می گفت و آنها را نقاشی می کرد. این قصه ها، که فقط نقاشی است و نوشته ای به همراه ندارد، یکی از برجسته ترین کتابهای کودکان جهان است و به تمام پسر و پسر در بسیاری از کشورهای جهان بارها به چاپ رسیده است. سه کتاب قصه های من و بابام برداشتی است از این قصه های تصویری که برای کودکان ایرانی بازپرداخت و نوشته شده است.

